

تجربه صندوق بین المللی

توسعه کشاورزی

در زمینه مشارکت مردمی



نوشته: Pierre spitz

مترجم: احمد بالان

منبع: World Bank Discussion Papers

قسمت دوم و پایانی

تشکیل گروه و جهت‌دهی مجدد سازمانی

در بسیاری موارد، لازم است گروه‌های جدیدی تشکیل داد که با اهداف طرح هماهنگی داشته باشند، تشکیل گروه باید روندی آرام داشته باشد و متغیرهای فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و زیست محیطی از طریق تماس دایمی و صبورانه میان واحد طرح، حامیان گروه و گروه‌های هدف، مورد توجه قرار گیرد. این گونه گروه‌ها را می‌توان برای مقاصد اعتباراتی یا در قالب انجمن‌های مصرف کنندگان آب، گروه‌های گله‌داران، گروه‌های صیادان، تعاونیها و امثالهم سازماندهی کرد. سطح همبستگی، پایداری و دسترسی به تصمیم‌گیری، بسته به نوع فعالیت گروه و روند تغییرات زمانی در شکل‌گیری گروه دستخوش تغییر می‌شود.

تأکیدی که غالباً بر تشکیل گروه می‌شود نیابستی توجه دست‌اندرکاران را از سایر رهیافتهای مشارکتی از قبیل سمت‌دهی مجدد نهادهای دولتی و مؤسسات

همکار دولت منحرف کند تا آنها نیز بتوانند تهیدستان روستایی را بیشتر مورد توجه قرار دهند. در زمینه تحقیقات و ترویج کشاورزی، رهیافت مشارکتی به معنای پاسخ به نیازهای زارعین خرده‌پا یا دامداران تهیدست و همچنین شناخت ارزش مهارت تکنیکی و دانش آنها درباره محیط زیست و ایجاد مجراهای ارتباطی دوطرفه میان پژوهشگران، مروجین و کشاورزان - با توجه خاص به زارعین تهیدست است.

توسعه روستایی مشارکتی به عنوان یک تفکر

توسعه روستایی مشارکتی نباید صرفاً به عنوان مجموعه‌ای از تکنیکها تلقی شود بلکه باید یک مکتب فکری قلمداد گردد که منعکس کننده احترام

عمیق به ارزشها و خلاقیت‌های کشاورزان است. مشارکت یعنی مردمی که مشکلات مشترکی دارند باید تقاضاهای خود را بیان کنند و دوشادوش یکدیگر برای یافتن راه‌حل بکوشند. بسته به موضوعی که محور تلاش قرار می‌گیرد، گروه‌بندی جدید باید براساس طبقه اجتماعی، گروه‌های قومی یا مذهبی، جنس، سن و مقوله‌های دیگر صورت گیرد. مسایل زنان در حیطه فقر روستایی مستلزم تحلیلی دقیق از شرایط بسیار متنوعی است که زنان تهیدست روستایی در مناطق، جوامع و محیط زیستهای مختلف پیش رو دارند. انتشار بیانیه‌های عمومی درباره زنان تهیدست روستایی، قادر نیست پیچیدگی وضعیت آنها را توجیه کند. یک رهیافت مشارکتی باید به این مرحله از



شناخت برسد که هیچ الگوی جهانی مشمولی برای توسعه وجود ندارد - همان‌گونه که بسیاری از رهیافتها در خلال دهه گذشته به این نتیجه رسیده‌اند. هر یک از طرحهای ایفاد باید به گونه‌ای طراحی شود که با شرایط سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و زیست محیطی خاص خود، در حالی که تهیدستان روستایی در مرکز صحنه قرار دارند، هماهنگی داشته باشد. هیچ رهیافت مشارکتی وجود ندارد که قبل از هر چیزی، خلاقیت‌های بالقوه تهیدستان روستایی را شناسایی نکرده و آنها را نه به عنوان هدف، بلکه محور توسعه قرار ندهد.

● ملاحظات چند درباره طرحهای مشارکتی ایفاد

به منظور استفاده در این بخش از مقاله، از ادارات منطقه‌ای ایفاد خواسته شد فهرست محدودی از طرحهایی را که به میزان زیادی مشارکتی تلقی می‌شوند، ارائه دهند. محدودیت شدید زمانی باعث شد ادارات مجال نیابند سوالات اولویت دار بانک را به طور منسوخ پاسخ گویند، اما نویسندگان مطلب، جنبه‌های مشارکتی اصلی هر پروژه را طبق برداشتهای خود مطرح کرده‌اند. این مطلب طبق رهیافت "اعتدالی" که در مقدمه بیان شد، حکم و اصلاح معدودی عناصر از ارزیابیهای پروژه به آن افزوده شده است.

● کاربردهای مشارکت در مرحله طراحی

از بین ۱۳ پروژه انتخابی، دو پروژه فاقد ویژگی رهیافت مشارکتی در مرحله طراحی بودند اینها پروژه‌هایی در گواتمالا و پرو بودند که مشارکت در آنها در مرحله اجرا صورت گرفته بود. از میان ۱۱ پروژه دیگر پاسخ چهار مورد این بود که فقط مطالعات

سوتو، مأموریت شناسایی پروژه حمایت از ابتکارات بومی در سال ۱۹۸۳ بی‌ریزی و کار خود را با مشاوران محلی، که مسئولیت بازرنگری تجارب طرحهای توسعه قبلی را برعهده گرفته بودند، آغاز کرد. دستاوردهای آنان طی سمینارهایی به مقامات ملی و ناحیه‌ای ارائه شد. متعاقب آن، جلسات غیررسمی روستایی در محل پروژه مورد نظر تشکیل شد و با افراد ذی‌نفع (گروههای هدف) در روستاهای منتخب مذاکراتی صورت گرفت. از شروع مأموریت شناسایی تا تأیید نهایی، ۳۸ ماه وقت صرف شد - یعنی کمی بیشتر از اکثر طرحها اما فاصله زمانی بین تأیید و اجرا، یک زمان کوتاه سه ماه و نیمه بود، زیرا روند مشارکت با سرعت به انجام رسید. در سایر موارد اوضاع همیشه این گونه نبوده است. برای مثال در مراکش، طرح فوق الذکر حتی پس از چهار سال کار مقدماتی، برای اجرا به بیش از یک سال وقت نیاز داشت. در کنیا "طرح پشتیبانی از گروهها و جوامع کشاورزان" براساس تجربه یک طرح آزمایشی در یکی از مناطق، طرح‌ریزی گردید، پنج سال طول کشید تا این طرح آزمایشی که برای اجرا در طول دو سال با هزینه ۱/۹ میلیون دلار، طراحی شده بود، به اجرا درآید. این کندی را باید به مشکلات وارد کردن رهیافت مشارکت در توسعه در یک نظام بوروکراسی سنتی نسبت داد. طرح آزمایشی فرصتی بدست داد تا نگرشهای دوایر اجرایی دولتی تغییر یابد. در هر حال، از زمان تأیید تا به اجرا درآمدن طرح، بیش از ده ماه وقت صرف شد. در طرح حفاظت آب و خاک و کشاورزی -

اجتماعی - اقتصادی صورت گرفته است. در چهار مورد دیگر علاوه بر بررسیهای اجتماعی - اقتصادی، مذاکراتی با افراد ذی نفع انجام شده است. و در مورد سه پروژه مشاوره صورت گرفته است. اشاره به انجام مطالعات صرف بطور کلی بزرگ شیوه از بالا به پایین در طراحی پروژه دلالت دارد که در مرحله اجرا تداوم می‌یابد. به بیان دیگر افراد ذی نفع مورد تحقیق قرار می‌گیرند یا "نسبت به استراژی و اهدافی که بدون دخالت آنان تعریف شده‌اند، حساس می‌شوند. مع هذا، کارکنان طرح این گونه پروژه‌ها را مشارکتی تلقی می‌کنند زیرا در برگیرنده گروهها یا اجتماعات روستایی هستند. همان گونه که در مقدمه فصل ذکر شد نویسنده دخالت گروهها یا اجتماعات روستایی را شرط کافی برای مشارکت قلمداد نمی‌کند، زیرا گروهها ممکن است از دسترس واقعی به روند تصمیم‌گیری مدیریت پروژه محروم بوده یا اجتماعات روستایی در مجموع تحت سلطه معدودی رهبر باشند.

در سه مورد از هفت مورد باقیمانده که مذاکره و مشاوره در آنها صورت گرفته - یعنی طرحهای مراکش سوتو و کنیا - جزئیات بیشتری ارائه شده است. در مراکش برای بی‌ریزی پروژه توسعه دام و مرتع در منطقه شرقی، به چهار سال وقت نیاز بود. در خلال دو سال اول، اداره دامپروری وزارت کشاورزی و اصلاحات زراعی مراکش از طریق مذاکرات و مشورت‌های طولانی با انجمنهای قبیله‌ای، سازمان دامداران را در انجمنهای استفاده کنندگان مرتع سازماندهی کرد. دو سال بعد، به طراحی پروژه اختصاص یافت. در

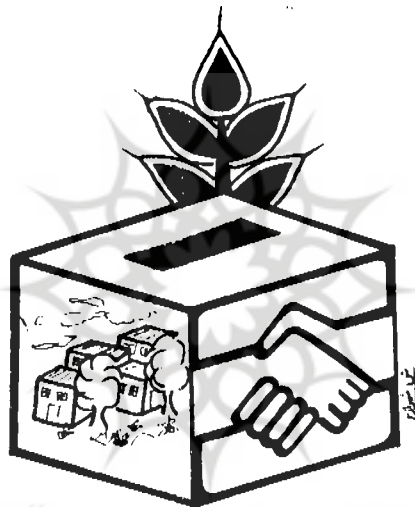
جنگلداری سوتو، طرح ریزی کار، ارائه خدمات ترویجی / تحقیقاتی براساس نیاز را پیش‌بینی کرده بود. رهیافت مبتنی بر نیاز مشتری، که توسط طرح مربوط ارائه شده بود، موجب می‌شد کشاورزان نیازهای خود را بیان کنند و بیاموزند که چگونه از خدمات کارکنان ترویج و نوآوری‌هایی که می‌توانست شیوه‌های زراعی آنها را بهبود بخشد، بهره‌مند شوند. تأکید زیادی بر نمایش‌های مزرعه‌ای^{۱۵} می‌شود و گروه‌هایی تشکیل شده است تا این قبیل آزمایشها را به اجرا گذاشته و مورد بحث قرار دهند. کارکنان ترویج نیز تحت آموزش قرار گیرند تا بتوانند بیشتر در جهت نیازهای زارعین فعالیت کنند. آزمایش‌های مزرعه‌ای^{۱۶} دربرگیرنده نتایج ایستگاه‌های تحقیقاتی و همچنین شیوه‌های سنتی اصلاح شده‌ای هستند که توسط خود کشاورزان ارائه می‌شوند. در طراحی پروژه قرار بود مباحث جامعی با انجمن‌های ده و کارکنان ترویج صورت گیرد. در گزارش‌های پروژه، این امر به عنوان کاری وقت‌گیر و نسبتاً پرهزینه توصیف شده است.

تنظیم طرح توسعه روستایی یکپارچه^{۱۷} در دومینیکن با مشارکت مستقیم نمایندگان دهکده انجام شد. مدیر طرح در خلال مرحله طراحی تعیین گردید و به طرح ملحق شد. او نقشی کلیدی در تنظیم طرح ایفا کرد. توزیع زمین و اسکان افراد بی‌زمین یا تقریباً بی‌زمین در دو بخش از املاک قبلی، روند مشارکتی قدرتمندی را در پی داشت که به ساکنان احساس مالکیت قدرتمندانه‌ای بخشید. با این وجود، در این طرح فعالیتهای مشارکتی معنادار دیگری پیش‌بینی نشده بود.

چارچوب طرح تنوع کشت و آبیاری مردم تایلند^{۱۸} در شمال کشور، فراتر از حدمعمول به زمان یا منابع دیگر نیاز نداشت، زیرا انجمن‌های مردمی آبیاری^{۱۹} به صورت سنتی و بومی^{۲۰} قبلاً در ناحیه طرح فعال بودند. لذا، برقراری ارتباط رسمی میان این انجمن‌ها و خدمات دولتی مورد تأکید قرار گرفت. طرح توسعه سازمان ملل (UNDP) یک کمک بلاعوض فنی به ارزش ۳۰۰ هزار دلار برای مطالعات تأمین کرد تا جنبه‌های نهادی مشارکت کشاورزان در انجمن‌های آبیاری شناسایی گردد.

درباره طرح ریزی پروژه تعاونی اعتبار "ان ناحود" (En Nahud) در سودان و طرح توسعه زنان تامیل نادو اینطور گفته شده است که هیچ گونه تلاش خاصی در مورد ویژگی مشارکتی طرح الزامی نشده است. دلیل آن احتمالاً این است که این پروژه‌ها برپایه ساختارهایی که از قبل وجود داشتند - یعنی تعاونی‌های سودان و اتحادیه تامیل نادو برای توسعه زنان در هندوستان - برقرار شده‌اند.

در پاسخ‌های مربوط به سایر پروژه‌ها، هیچ اشاره مستقیمی به ویژگی خاصی از روند طراحی (زمان، هزینه‌ها یا مهارت‌ها) صورت نگرفته است که نشانگر



ماهیت مشارکتی پروژه باشد. این امر شاید ابعاد ویژگی مشارکتی پروژه‌های منتخب را منعکس نماید. هنگامی که طراحان پروژه بر گروه‌های موجود تکیه می‌کنند یا پیشنهاد می‌کنند گروه‌ها را براساس مطالعات اجتماعی - اقتصادی تشکیل دهند، به زمان اضافی، منابع یا مهارت‌های خاصی نیاز ندارند، زیرا به استثنای مواردی معدود، از جانب افراد ذی‌نفع هیچ مشارکتی در طراحی پروژه صورت نمی‌گیرد و امکان تشکیل گروه در مرحله قبل از سرمایه‌گذاری نیز عملاً وجود ندارد.

● کاربردهای مشارکت در مرحله اجرا

اکثر پاسخ‌های دریافتی درباره کاربردهای مشارکت در مرحله اجرا، در قالب‌های منفی شکل

گرفته‌اند. یعنی مدعی هستند که اجرای پروژه‌های مشارکتی به توجه، نظارت یا منابع چندانی نیاز ندارد. با این وجود، تخصیص منابع شاید کمی متفاوت باشد. برای مثال گفته شده است که اجرای طرح توسعه برای زنان تامیل نادو پیچیده‌تر یا مستلزم نظارت گسترده‌تری نبوده است، اما تخصیص منابع بیشتری از پروژه برای آموزش، مساعدت فنی و دستمزد کارکنان محلی به میزانی بیش از آنچه که برای پروژه‌هایی با مشارکت کمتر مورد نیاز بود را الزامی ساخته است.

طرح حمایت از ابتکارات بومی در لسوتو به عنوان طرحی که در فعالیتهای طراحی و نظارت به نهاده‌هایی بیش از حد معمول نیاز دارد، توصیف شده است. در گزارش "طرح پشتیبانی از گروه‌ها و جوامع کشاورزان در کنیا" چنین آمده است: "مشارکت افراد ذی‌نفع معمولاً اجرای پروژه را بویژه در خلال اولین سال، با تأخیر روبه‌رو می‌سازد، زیرا این امر به روندی طولانی از ایجاد آگاهی در کارکنان اجرایی و گروه‌های ذی‌نفع نیاز دارد. تجربه مرحله اول نشان می‌دهد که وقتی افراد ذی‌نفع، از تأثیر تصمیم خود اطمینان یافتند، روند اجرای پروژه به میزان قابل ملاحظه‌ای سرعت می‌گیرد."

علاوه بر اشاره تلویحی به مسأله تفویض اختیار (که تنها مورد در بین ۱۳ پاسخ دریافتی است)، این نظریه، موضوع قراردادن مرحله شکل‌گیری مشارکت در چرخه پروژه را نیز مطرح می‌کند. چنانچه پروژه برپایه ساختارهای مشارکتی موجود بنا شود (مانند تعاونی‌ها در سودان یا انجمن‌های آبیاری در تایلند)، هیچ‌گونه تأخیری در نتیجه بعد مشارکت در مرحله طراحی یا اجرا وجود نخواهد داشت. اگر قرار باشد ساختارهای مشارکتی بی‌ریزی شوند، آیا باید این عمل در مرحله قبل از سرمایه‌گذاری صورت گیرد (که در نهایت مقداری از بودجه اعطایی مصرف می‌گردد)، یا این که بعنوان بخشی از مرحله سرمایه‌گذار انجام شود؟ پی‌ریزی ساختارهای مشارکتی در مرحله طراحی، وقت و منابع بیشتری را صرف می‌کند، اما اجرا ممکن است سریع‌تر و یکنواخت صورت گیرد. انتظار برای مرحله سرمایه‌گذاری شاید بدین معنا باشد که طرح‌ریزی به وقت و منابع بیشتری نیاز ندارد، اما در

خلال اجرا ممکن است وقفه‌هایی ایجاد شود. در واقع، انتخاب صحیح به ماهیت پروژه بستگی دارد و برای اجتناب از کلی‌گرایشهای شتابزده، لازم است طیف وسیعی از موقعیتهای متنوع مورد توجه و ملاحظه قرار گیرد.

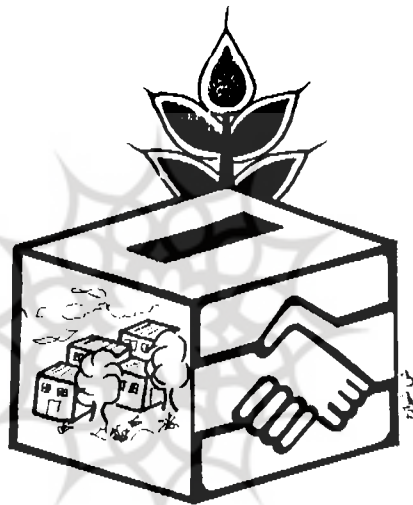
همان‌گونه که قبلاً عنوان شد، از بین ۱۳ طرح انتخابی، دو مورد فاقد بعد مشارکت در مرحله طراحی بودند در "طرح تولید وانتقال تکنولوژی کشاورزی و تولید بذر" در گواتمالا، برخی از زارعین از سوی هیئت طراحی مورد مشاوره قرار گرفتند. اسناد طرح فقط تولید سنتی بذر و آزمایشهای مزرعه‌ای را شامل می‌شود. تغییر واقعی در سال ۱۹۸۶، یعنی یک سال پس از اجرا، با تشکیل شبکه‌ای از نمایندگان کشاورزان که از سوی جوامع خود انتخاب شده و بعنوان کارگران پاره‌وقت در سازمان ملی ترویج به کار گرفته شده بودند، آغاز گردید. این کشاورزان مذاکره با جوامع خود را آغاز کردند، نیازهای خود را شناسایی و پیشنهادهایی به کارشناسان خدمات ترویج ارائه دادند. طرحهای سالانه سازمان تحقیقات ملی نیز برای هماهنگی با نیازهای کشاورزان مورد اصلاح قرار گرفتند. چندین سال طول کشید تا کل این روند بی‌ریزی شد. هیئتهای نظارت که براساس گزارشها، بزرگتر یا پرهزینه‌تر از حد معمول نبودند، به این روند کمک کردند.

در طرح توسعه روستایی زمینهای مرتفع "کاسکوآرکویبا" (Cusco Arequipa) مشارکت فقط تا آن اندازه پیش‌بینی شده بود که نیروی کار و مواد خام رایگان برای استفاده در کارهای زیربنایی دو پروژه تأمین شود. رهیافت اولیه بواسطه انحلال سازمان رسمی ترویج، دگرگون شد. جوامع رعیتی به تدریج طرح ترویج خود را آماده کردند و از پروژه خواستند تا گروههای ترویجی چند منظوره کوچکی را راه‌اندازی نماید. تعداد زیادی از کشاورزان نیز به عنوان اعضای این گونه‌گروهها به کار گرفته شدند تا در زمینهای تولید بذر، دامپروری، بهداشت و مدیریت آب و خاک، فعالیت کنند.

● کاربردهای مشارکت برای چرخه پروژه بعنوان یک کلیت

در رهیافت تدریجی که قبلاً بدان اشاره شد،

تقویت افراد ذی‌نفع پروژه به مثابه بالاترین میزان تراکم مشارکت است. قدرتمند ساختن باید با مسئولیت‌پذیری رابطه داشته باشد. برای مشارکت در طرحهای توسعه روستایی به شیوه‌ای اصیل و واقعی، تهیدستان روستایی باید با دریافت منابع و بویژه اطلاعات، تقویت شوند. یکی از راههای نیل به این مقصود از طریق نظامهای نظارت و ارزشیابی مشارکتی است. این موضوعها محور گردهمایی سال ۱۹۹۱ در زمینه نظامهای نظارت و ارزشیابی کمیته اداری هماهنگی نیروی ویژه توسعه روستایی بود که توسط ایفاد صورت گرفت. خدماتی که سازمانها ارائه



می‌دهند هرچه بیشتر مورد توجه افراد ذی‌نفع قرار گیرد، احتمال اینکه نیازهای آنها را ارضا نماید، بیشتر می‌شود. این رهیافت پس از اینکه سازمانهای ترویج دولتی نتوانستند در تجارب قبلی خود عملکرد رضایت‌بخشی را ارائه دهند، در پاره‌ای از طرحهای جدید از جمله پروژه‌های گواتمالا و پرو، به کار گرفته شد.

طرح توسعه روستایی "اواک ساکا" (Ojales) نمونه جالبی از انجمنهای مصرف کنندگان آب است که توسعه آنها نه در مرحله طراحی پروژه، بلکه در خلال اجرا صورت گرفت. در حالی که سالهای متمادی از زمان تکمیل پروژه سپری شده است، آنها هنوز مبالغی را گردآوری می‌کنند که برای نگهداری طرح مصرف می‌شود. این پروژه دارای جذابیت ویژه‌ای است چون طراحی آن در اصل، براساس یک رهیافت

مشارکتی که در اواخر دهه ۱۹۷۰ برای پروژه‌های (PIDER) ابداع شده بود، انجام گرفت. در طول اولین سال اجرای طرح، یک رهیافت از بالا به پایین مورد استفاده قرار گرفت. سالها بعد، رهیافتی مبتنی بر مشارکت بیشتر مورد ملاحظه قرار گرفت. این رهیافت اگر چه در طراحی پروژه پیش‌بینی نشده بود، اما افراد ذی‌نفع علاقه زیادی به آن نشان دادند. این نمونه، تکامل (نه همیشه مثبت) رهیافت مشارکتی، حتی در طول حیات یک پروژه منفرد را به نمایش می‌گذارد.

یکی از تجربه‌های اخیر در زمینه سطح بالایی از مشارکت در روند طراحی، به طرح "نگوبی" (Ngobe) در پاناما مربوط می‌شود. مردم "گوایمی" (Guaymi) از آخرین طرح، یعنی طرح توسعه روستایی برای جوامع "گوایمی" که در سال ۱۹۸۳ تصویب شد، چندان راحتی نبودند. گزارش ارزیابی این پروژه توصیه کرده بود که بهتر است پروژه جدیدی بنا شود که در آن، مشارکت مردم در مرحله طراحی مدنظر قرار گرفته باشد. در نتیجه، مردم "گوایمی" امکان مشارکت زیادی یافتند، تا آنجا که در خود گروه آماده سازی پروژه نیز نماینده داشتند. آنها با توجه به نامی که خود را می‌خوانند، پروژه را "نگوبی" (Ngobe) نامگذاری کردند و بدین ترتیب نشان دادند که آن را طرح خودشان تلقی می‌کنند، نه مانند مورد قبلی طرحی برای آنها. اگر چه که این گونه مشارکت در طراحی پروژه مقبولیت زیادی دارد و باید هدف تمامی موارد مشابه باشد، اما نباید آن را شرط لازم و کافی برای تضمین مشارکت مردم در مرحله اجرای طرح تلقی کرد. عملاً مشاهده پروژه‌هایی بوده‌ایم که با مشارکت فعالانه افراد ذی‌ربط طراحی شده بودند، اما در مرحله اجرا، مدیر پروژه اجازه نداد ویژگیهای مشارکتی در آنها متجلی شود. از سوی دیگر، برخی از پروژه‌هایی که با روش مشارکتی طراحی نشده بودند، بواسطه تلاشهای مدیران آگاه پروژه‌ها یا مداخله سازمانهای بین‌المللی درگیر در پروژه، فرصتهای بسیاری برای مشارکت در مرحله اجرا فراهم آوردند.

مجربانی که با مسأله مشارکت سرو کار دارند گاهی اوقات علاقه‌مند می‌شوند روشها، تکنیکها، و رویه‌هایی ابداع کنند. این امر تا حدودی به نارضایتی ناشی از عنوان یا نحوه بیان واژه مشارکت برمی‌گردد،

طریق نصب در محل مناسب - استفاده نمود.

همانطور که در مقدمه این نوشتار آمد، حس شنوایی از طریق استفاده همزمان حس بینایی تقویت می‌یابد و یادگیری مطلوبتر خواهد شد. این بدان معناست که اگر رسانه‌های آموزشی برای آموزش یک مسئله یا موضوع ویژه کشاورزی و دامپروری به صورتی همزمان استفاده شوند، حل مسئله و یا ابداع روش نو موفقیت‌آمیزتر، سریعتر، راحت‌تر و اساسی‌تر اتفاق خواهد افتاد. بنابراین برای آموزش یک مسئله یا موضوع ارجح است که به آن مسئله یا موضوع از زوایای گوناگون نگریسته و حتی المقدور برای فراگیری آن از حواس مختلف یادگیرندگان سود جست.

پی‌نوشت‌ها

- ۱- احدیان، محمد. مقدمات تکنولوژی آموزشی
- ۲- همان منبع ص ۱۱۷
- ۳- L.Loydj PHIPPS, Agricultural Education in schools. p 133
- ۴- همان ص ۱۳۲
- ۵- همان ص ۲۱۸
- ۶- احدیان، محمد، مقدمات تکنولوژی آموزشی، ص ۸۰
- ۷- همان ص ۸۸

منابع و مآخذ

- ۱- احدیان، محمد. مقدمات تکنولوژی آموزشی. شرکت بین‌المللی نشر و تبلیغ بشری، تهران، چاپ چهارم. ۱۳۶۹
- ۲- L.Loydj PHIPPS, Agricultural Education in school, university of illinois champaign, U.S.A (1989)
- ۳- Edgar Dale, Audiovisual methods in teaching. (3rd edition), The Ohio state university, Holt. RINEHART AND WINSTON INC. New york. (1969)
- ۴- سیف‌علی‌اکبر، روانشناسی تربیتی، نشر آگاه، تهران، ۱۳۷۰
- ۵- شعبانی - حسن، مهارت‌های آموزشی و پرورشی، انتشارات سمت، تهران ۱۳۷۲

● بقیه از صفحه ۳۷

چرا که گاهی نشان دادن عمل واقعی در این واژه، کار دشواری است. اما حتی بدون وجود یک "الگوریتم مشارکت"، دیدگاه مشارکتی گاهی اوقات می‌تواند به منبعی از بصیرتها و توصیه‌ها در مفاهیم بسیار اتزاعی تبدیل شود.

برای مثال، "دومین طرح احیاء کشاورزی" در موزامبیک نقش مهمی در میزان دسترسی به نهاده‌ها از طریق واردات ایفا کرد. معهذاً، این طرح بارها با مشکل تجمع نهاده‌های فروخته نشده مواجه گردید. دلیل مشخص این مسأله فقدان قدرت خرید در کشاورزان، بویژه در چارچوب افزایش قیمت که همراه با روند آزادسازی پدید می‌آمد، بود. در هر حال، یک ارزیابی میان مدت نشان داد که یکی دیگر از علتهای مهم بروز مشکلات ناشی از تحویل ابزار به گروه هدف، به نامناسب بودن نوع ابزارهای وارداتی مربوط می‌شد. علت بروز این مشکل را نیز به نوبه خود می‌توان ناشی از فقدان آگاهی و دانش سیستماتیک درباره نیازهای مختلف زارعین خرده‌پای موزامبیک دانست. تصمیم‌گیری در مورد واردات کالا براساس محاسبات ریاضی به عمل آمده از میزان موجودیها و یک نتیجه‌گیری مکانیکی از نیازها و بدون مشارکت زارعین، صورت می‌گرفت. توصیه ارائه شده در این زمینه، خواستار افزایش قدرت خرید گروه هدف از طریق اعطای اعتبارات یا پرداخت سوسپید بود. توصیه دیگری از همان گروه ارزیابی کاربرد یک رهیافت مبتنی بر مشارکت بیشتر، با استفاده از تجزیه و تحلیل جدی نیازهای واقعی و رو به رشد کشاورزان بود. این رهیافت کشاورزان را نه فقط به هدف، بلکه به شرکای طرح توسعه روستایی تبدیل می‌کرد.

رهیافتی که در این فصل تشریح شد، می‌توان بعنوان "یک رهیافت امکانی" تعریف کرد؛ زیرا امکانات مختلف برای مشارکت را مورد تأکید قرار می‌دهد. گاهی اوقات این امکانات در طول روند طراحی پدید می‌آیند و در خلال اجرای طرح، توسعه یافته، یا متوقف می‌شوند. پاره‌ای مواقع، این امکانات از طریق رهیافتی که در طی طراحی پروژه دنبال می‌شود، اشاعه نمی‌شوند، بلکه در ضمن اجراء بواسطه

ایجاد شرایط اجتماعی اقتصادی مناسب برای مشارکت، یا به دلیل توسل مدیر طرح به یک شیوه مشارکتی، پدیدار می‌شوند. "رهیافت امکانی" ممکن است با دیدگاه افراطی تضاد داشته باشد، زیرا این دیدگاه براین عقیده است که مشارکت یا در تمامی مراحل چرخه پروژه صورت می‌گیرد، یا اصلاً انجام نمی‌شود. این تضاد ممکن است در دیدگاه انکارگرایی نیز وجود داشته باشد. براساس این دیدگاه، امکان هیچ‌گونه مشارکتی در آن دسته از طرح‌های توسعه روستایی که با بودجه سازمان‌های بین‌المللی اجرا می‌شوند، وجود ندارد. نکته شایان توجه این است که نتایج عملی دو دیدگاه افراطی و انکارگرایی تقریباً یکسان است. نکته مهم دیگر این است که باید میان رهیافت امکانی و نظریه ارادی تمایز قابل شد، زیرا نظریه ارادی براین فرض استوار است که مشارکت فقط در صورتی امکانپذیر است که مطلوب طبع طراحان یا مدیران پروژه باشد. رهیافت نظریه امکانی تشخیص می‌دهد که محدودیتها (و همینطور امکاناتی) برای مشارکت وجود دارد و با گذشت زمان و وقوع فرآیندهای اجتماعی مختلف، دامنه مشارکت نیز ممکن است تغییر کند.

17. Maximalist
18. Nihilist
19. Voluntarist

